

امیرارسلان نامدار، داستانی ماندگار

محمدرضا شجاعی

داستان جذاب و ماندگار «امیر ارسلان نامدار» ساخته «علی نقیب الممالک»، نقل پرداز و سخنور مشهور ناصرالدین شاه قاجار است که به تدریج توسط دختر زیرک ناصرالدین شاه، فخرالدوله مکتوب گشته است.

در واقع کار علی نقیب الممالک هر شب این بود که با چند نوازنده به بارگاه شبانه شاه حاضر شود و با استفاده از قدرت خیال خود داستان های دنباله داری را برای شاه تعریف کند تا او به خواب برود. در این بین دختر ناصرالدین شاه که پی به ارزش داستان ها برده بود مخفیانه خود را به پشت اتاق شاه می رساند و همه شب داستان های شنیده را می نگاشت و بدین ترتیب بود که این داستان بلند ماندگار ماند و در گذر زمان نابود نگشت.

البته نقیب الممالک دو داستان دیگر به نام های «زرین ملک» و «ملک جمشید» بعدها خلق کرد. جالب این است که نقیب الممالک در اعیاد مهم خطبه می خواند و این او بود که می بایست به سایر نقالان اجازه کار بدهد. در واقع او رییس تمامی نقالان کشور بود و نقابت دربار او بود. داستان بلند امیرارسلان نامدار دارای ۴۶ شخصیت است که تمامی این افراد حساب شده خلق شده و به خوبی قوام یافته اند. این افراد به کارهای مختلفی مشغول هستند و هر يك نماینده طبقه خاص خود هستند و به نوعی مصایب و زندگی آن طبقه خاص را منعکس می کنند. همچون الماس خان داروغه که خواننده را به دنیا و فضای شغلی داروغه ها در آن دوران می برد و یا الیاس فرنگی که نماینده طبقه شبه روشنفکر آن روزگار است که صاحب اندیشه نیست و صرفا به تقلید کورکورانه می پردازد و یا پیر زاهد که خبر از دنیای صوفیان و زاهدان دوران قاجاری دارد.

از این رو کتاب امیر ارسلان نامدار تنها يك داستان به حساب نمی آید و می تواند برای پژوهش گروه های مختلف جامعه شناس، مورخ، سیاسیون و... مورد بهره برداری قرار گیرد.

تاثیرگذاری عمیق شخصیت های این داستان بر مردم کوچه و بازار باعث شده تا برخی شخصیت ها به ادبیات محاوره ای مردم نیز وارد شوند و برای خود معنایی خاص را القا کنند. همچون فولاد زره و مادر فولاد زره. اما از آنجا که این داستان ها می بایست برای پادشاه تعریف می شده خالق اثر بیشتر متوجه هنرآفرینی شخصیت هایی بوده که در دربار حضور داشته و در اعیان و اشراف قرار داشتند. همچون ملک اقبال شاه، ملک شعبان، ملک خازن، ملک شاه رومی، ملک فیروز همسر ملک شاه، منظر بانو، ماه منیر، شمس وزیر، سهیل وزیر و... از دیگر شخصیت های خاصی که در این اثر مطرح بوده خواجه های دربار هستند که نماینده خواجه ها را افرادی چون خواجه یاقوت، خواجه نعمان و خواجه طاووس تشکیل می دهد.

امیرارسلان نامدار، از حوادث بسیار زیاد و متنوعی پدید آمده است. و شاید بزرگترین راز جذب مخاطب وجود تنوع حوادث پرهیجان و جذاب در اثر است. نویسنده به خوبی از عنصر حالت تعلیق و هیجان استفاده کرده است و می دانسته هر داستان را تا چه میزان در حرکت صعودی نگاه دارد و در چه زمان به نقطه اوج خود رساند. شیوه توصیف حوادث و زمان درست گره افکنی در داستان به همراه تنوع حادثه باعث شد تا این داستان ها به سرعت سر زبان ها بیفتد و همه گروه های سنی از پیر و کودک را مجذوب خود سازد.

اما متأسفانه در طی صدسال اخیر با ورود تفریحات و برنامه های متنوع و حضور قدرتمند تلویزیون، رادیو و سینما مردم رفته رفته این داستان ها را از یادها بردند و دیگر نقل محافل نشد.

بسیاری از منتقدین چون «کریستف بالائی» فرانسوی بر این باور هستند که این اثر در گروه آثار داستانی به

حساب می آید که کاملاً به سبک سنتی خلق شده و همدریف با آثاری چون «سمک عیار»، «حمزه نامه» و «حسین کرد» قرار می گیرد.

وجود تعابیر ساده و استفاده از واژگان عامه پسند و طرح حوادث جنجالی و بحث برانگیز باعث شده تا این اثر در وادی ادبیات عامه پسند قرار گیرد. اما این اثر دارای نکات ارزشمند و تجارب ناب زیادی است و صرفاً بیانگر یک سری حوادث بی اساس نیست. در عین حال که دو شیوه مختلف روایتی یعنی شیوه شفاهی گویی و نوشتاری در این اثر با هم تلفیق شده است. و همین مساله باعث گردیده تا داستان امیرارسلان نامدار به شیوه ای بدیع روایت و بیان گردد.

نکته قابل تعمق نقش و عملکرد دختر ناصرالدین شاه است. یقیناً او تنها کاتب داستان ها نبوده و براساس برداشتی که از داستان های نقیب الممالک داشته داستان را تدوین و طراحی کرده است. از این رو می توان به این نتیجه مهم دست یافت که داستان از دو منظر و دو زاویه دید و حتی دو اندیشه و فکر ساخته شده است و تنها یک نویسنده ندارد. باید این مساله را در نظر داشت که فخرالدوله زنی ادیب و صاحب اندیشه بود و غالب اوقات خود را در کتابخانه پدرش می گذرانده. از این رو می توان ادعا کرد که این اثر هم به نقیب الممالک تعلق دارد و هم به فخرالدوله دختر شاه. انجام این کار توسط فخرالدوله نشانه هوش و گرایش شدید او به امر داستان نویسی و ادبیات بوده است. و اما درباره مضامینی که مورد توجه نقیب الممالک بوده و خواسته بن مایه داستان خود را بر آن استوار سازد ماجرای جنگ های صلیبی میان مسلمانان و مسیحیان است. بی شک نویسنده به خاطر داشتن آگاهی کامل از حوادث اساسی تاریخی بر آن بوده تا با تغییر مکان ها و گاه حوادث داستانی به طرح مبهم این وقایع پردازد. او خوب می دانسته که شاه به داستان های تاریخی بیش از همه علاقه مند است و خواسته و ناخواسته با شنیدن این داستان ها تجربه اندوزی می کند. از این رو سعی داشته تا درونمایه داستان ها را براساس حوادث و رویدادهای مهم تاریخی بنا کند. جدای از این نویسنده سنن، باورهای مردم و اسطوره های ملی و دینی را در اثر وارد ساخته و همین مساله باعث شده تا اثر به یک شرح خشک و خسته کننده رویدادها مبدل نگردد. همچنین خالق اثر و یا به عبارتی نقال داستان ها تحت تأثیر شدید آثاری چون سمک عیار بوده و بسیاری از رویکردهای اتفاق افتاده در آن داستان ها را به عاریت گرفته است.

ملت ایران از دیرباز به سحر و جادو علاقه بسیاری داشتند و با این کار آنچنان که در اروپا مذمت می شده و پیروانش به آتش کشیده می شدند برخورد نشده است. از این رو در این داستان عنصر سحر و جادو بسیار درشت نمایی شده است. امیرارسلان در طول داستان به کرات با افرادی که طالع بینی می کنند برخورد داشته و همراهی حضور نیروهای فرابشری در داستان مشهود است.

نکته بسیار مهم طرح مسایل سیاسی روز و نشان دادن رویدادهای سیاسی درباره قاجار در قالب شخصیت هایی چون شمس وزیر و قمر وزیر است. یقیناً شاه نیز از چنین داستان هایی و ارتباطشان با شخصیت های درباری آگاه بوده و به مقاصد و پیام های غیرمستقیم نقیب الممالک که در عمل نقش رهنمون داشته پی می برده است. در پایان باید گفت که داستان امیرارسلان دارای ۲۲ فصل است. یقیناً روایت بخش کوچکی از داستان می تواند انگیزه ای باشد برای مطالعه این داستان ماندگار :

پادشاه دارای نعمت های بسیاری است، اما فاقد فرزند است. طالع بینی پیش می آید و نوید آمدن فرزند را به شاه می دهد. طالع بین می گوید فرزند تو با حوادث پرمخاطره ای مواجه می شود و در پی آن خواننده به دنیای درونی راوی و شرح حوادث هیجان انگیز راه می یابد.